

## شعر نجیب کاشانی، شاعری از روزگار صفویه

سید محمود سجادی

درباره زندگی، احوال و آثار نجیب کاشانی شاعر پرمایه عهد صفوی (۹۰۷-۱۱۴۸ هـ ق) تاکنون اطلاع چندانی نداشته‌ایم و در بعضی از تذکره‌ها و تراجم احوال شاعران تنها به ذکر نام و یا مختصری از شرح احوال و نمونه اشعار او اکتفا شده بود تا این که اخیراً به همت مرکز پژوهشی میراث مکتوب، مجموعه اشعار او تحت عنوان: «کلیات نجیب کاشانی» (نورالدین محمد شریف کاشانی) (۱۰۶۳-۱۱۲۳ هـ ق) با مقدمه، تصحیح و تعلیقات آقایان اصغر دادبه و مهدی صدری به نحوی دقیق، شایسته و درخور اعتماد چاپ و منتشر شده است. او شاعری است که ارزش والای آثارش این اطمینان را به مصححان محترم داده تا او را «شاعری خوش سخن و فرهیخته» معرفی کرده در گفتگو از جایگاه و پایگاهش در پهنه بزرگ و پرشکوه ادبیات منظوم می‌گویند: «اگر از قله‌های ادب پارسی یعنی فردوسی، سعدی و نظامی و حافظ و مولانا چشم فروپوشیم و به سراغ دیگر شاعران برویم. بی‌گمان نجیب در شمار شاعرانی قرار می‌گیرد که براستی شاعرند و فرهیخته و سخنشان به دل می‌نشیند.» و ما این فرهیختگی و دلنشین‌گویی را در بسیاری از شعرهایش احساس می‌کنیم. او شاعر عصر صفوی است. - عصر شاه سلیمان و شاه سلطان‌حسین - طبعاً بخاطر خط‌مشی و رویه ذوقی و فکری آن دو با مشکلات و مضایقی نیز در رو بوده است. با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی کشور در آن دوران که می‌توان آن را «به‌طور عمومی عصر انحطاط

ادبی ایران محسوب داشت و در واقع خرابی‌های دوران مغول و تیموریان تأثیرات عمده خود را در علم و ادب<sup>۱</sup> به جا گذاشت «نه تنها این دوره از وجود گویندگان بزرگ خالی بود بلکه موضوع مهم نظم پیشینیان یعنی غزل و شعر عرفانی متروک گردید زیرا شاهان صفوی از هر دو اعراض داشتند. نظم و نثر فارسی تنزل صریحی نمود. سخن فارسی بقیه لطافت و بساطت قبل از مغول را باخت و عبارت‌پردازی و زیور و زینت‌های زائد لفظی بیشتر استعمال شد و مضامین مبتذل و نازک‌کاری‌های زنده در شعر معمول گردیده و در اغلب احوال شاعر و نویسنده هم خود را به تشبیهات و جناس و ایهام و استعاره مصروف و نظرش را به افکار غریب و معانی عجیب معطوف داشت. صدها شاعر و نثر نویس و مؤلف در ایران و هندوستان ظهور کرده و از این سبک - که آن را سبک هندی نام داده‌اند - پیروی نمودند و توان گفت سخن پردازان هندی در این طرز بیش تر از گویندگان ایران غلو کردند و به زینت و طنطنه الفاظ و باریکی و پیچاپیچی معانی پرداختند.»<sup>۲</sup> البته این نظریه درباره شعر این دوره یعنی دوره صفوی و نیز سبک هندی نمی‌تواند نظریه‌ای جامع و کامل و مقبول همگان باشد چرا که سبک هندی (یا به تعبیر سیدالشعراء استاد امیری فیروزکوهی سبک اصفهانی) در برهه‌هایی از زمان و توسط شاعرانی فحل و توانا نموده‌های دلپذیر و ماندگاری داشته است. چگونه می‌توان شعر بلند صائب تبریزی و کلیم کاشانی و عرفی شیرازی و باباغانی شیرازی و بیدل دهلوی و طالب آملی و... را با نظم‌های سست و بی‌پایه تعداد زیادی از ناظران این دوره و به اصطلاح پیروان این سبک برابر دانست!<sup>۳</sup>

کما این که در دیوان حاضر یعنی سروده‌های نجیب کاشانی که متعلق به این عهد و عصر و دارای خصوصیات این طرز و سبک است، اشعاری منطبق با معیارهای شعر خوب و سخته و پخته و دلنشین به فراوانی می‌یابیم.

با این که طبق مندرجات کتاب - مستند به نمونه‌هایی از ابیات و اشارات خود او - به شغل بزّازی اشتغال داشته ولی به طور کلی نمی‌توان او را جزء «مُحْتَرِفَه» دانست، چرا که او شاعری است که به اقتضاء زمان و شرایط اقتصادی و اجتماعی آن عهد «حرفه»‌ای نیز داشته. او شاعری است که در کنار دلمشغولی بزرگش یعنی شاعری، برای امرار معاش به شغل بزّازی اشتغال داشته نه این که بزّازی بوده که ضمناً شعر هم می‌گفته است.

۱. رضازاده شفق، [صادق]، تاریخ ادبیات ایران، وزارت فرهنگ [سابق]، ۱۳۱۶، [تهران].

۲. همان.

اصولاً یکی از خصوصیات شاعران این عهد و این سبک، اشتغال آن‌ها به مشاغل و حرفه‌های عادی متعارف آن زمان است. آسودگی و رفاه شاعران عهد سامانی و غزنوی در سایه شاهان شعردوست و در عین حال خودخواه به پایان رسیده بود. شاعران عهد صفوی تنها به مدیحه‌ای دل می‌سپردند که در مدح خاندان پیغمبر باشد و شعرهای متغزلانه و عارفانه را بر نمی‌تافتند لذا شاعران مجبور بودند به کاری و حرفه‌ای دست یازند تا با اقل مایقنغ بتوانند معاش روزانه خود و عیالشان را تامین نمایند. مثلاً در همین دوره با ناظران و سرایندگانی چون: سقایی (حیاتی)، دباغی (همدمی)، شعر بافی یا بافندگی (حسرتی)، زراعت (وحشتی)، بزازی و کرباس فروشی (جمال الدین محمد)، خرده فروشی و کتاب‌فروشی (مقصود)، صحافی (مردمی)، سمساری (حاتم)، خیاطی (یعقوبی)، کتابت و نسّاحی (اسیر شهرستانی) و مشاغل و حرف دیگر مواجه هستیم و این موضوع خود یکی از ویژگی‌های ممتاز و مشخص شاعران سبک هندی یا اصفهانی است. شاعران از میان گلخانه‌های شاهان و گرمخانه‌های امیران بیرون آمده و به مردم عادی و عامی پیوسته‌اند. مدح شاهان و ستایش مقتدران و زورمداران جای خود را به عناصر و مؤلفه‌های دیگر داده است. نجیب کاشانی مانند چند تن دیگر از بزرگان و بنیان‌گذاران این مکتب که قبلاً ذکرشان آمد، شاعری است نازک خیال، دارای قدرت تخیل شفاف و چابک، ذهن پر شور و پر تداعی، مهارت در تصویرسازی و «خیال‌بندی» و استفاده از ایهام و استعاره و تلمیح، دامنه واژگان وسیع و متبلور و ساختار هنری شعر و گاه قدرت ابتکار. او هیچ کلمه‌ای را ولو به اقتضای وزن و قافیه به جای کلمه دیگر به کار نمی‌برد. ترکیبات، تعبیرات و اصطلاحات مندرج در اشعارش تازه، منطقی و زیباست.

به هر حال نورالدین محمد شریف کاشانی متخلص به «نجیب» یا «نجیبا» یکی از همان مردان با فرهنگ و پراحساس و نازک‌خیالی است که بنا به دلایلی که برایش موجه بوده به هند مهاجرت کرده در آن جابه منصب ملک الشعرائی جلال‌الدین اکبر می‌رسد و از عزت و احترام در خور بهره‌مند شده و حکومت کشمیر نیز به او تفویض می‌شود.<sup>۳</sup>

۳. البته باید گفت او نیز علی‌رغم تعدادی از شاعران مهاجر که در ابتدای مهاجرت خود احساس نارضایتی نموده‌اند و مثلاً گفته‌اند:

مرو به هند برو با خدای خویش بساز  
 به هرکجا که روی آسمان همین رنگ است  
 او هند را بسیار دوست داشته و آن را «موجب آبرو و اعتبار خود» دانسته همچنانکه عبدالرزاق لاهیجی  
 هند را کعبه حاجات معرفی کرد.  
 حبذا هند کعبه حاجات  
 خاصه باران عافیت جو را ←

او در انواع شعر ید طولایی داشت و در صنعت «ماده تاریخ» تخصص ممتازی دارا بود و بسیاری از وقایع مهم کشور و رویدادهای خانوادگی را به طور منظوم با «تاریخ جمل» مشخص نمود.

نجیب کاشانی پس از بازگشت به ایران کتابی به نام «کشیک خانه» تألیف کرد و سرانجام در سال ۱۱۲۳ ه.ق از دنیا رفت.

نجیب شاعر سبک هندی است، مکتبی که توسط تعدادی از شاعران ناراضی، فرهیخته، مبتکر، جاه طلب و شاید هم ماجراجو، مردم دوست و نوگرای ایرانی عمدتاً در هند و در عصر صفوی به وجود آمد. می‌دانیم که «از مسایل مهم ادبی عصر صفوی نفوذ و انتشار زبان و ادبیات فارسی در ممالک مجاور خاصه هندوستان است. چنانکه می‌دانیم زبان اصلی ایران با زبان قدیم هندوستان که سنسکریت باشد پیوند دارد. زبان فارسی با فتوحات مسلمین در هند و مهاجرت پارسیان در قرون اولیه اسلام و فتوحات سلطان محمود شروع و با سلطنت غزنویان و غوریان در آن دیار انتشار یافت و بعد با تاسیس سلطنت مغول در آن مملکت به اوج ترقی رسید. مؤسس سلاله مغولی هند «بابر» معروف بود که نسبش به پنج واسطه به تیمور می‌رسد. او به سال ۹۳۲ به پنجاب حمله برد و لاهور را گرفت و تأسیس سلطنتی نمود که بالغ بر سیصد سال در هندوستان دوام یافت. بابر و پسرش همایون و نوه‌اش اکبر و جهانگیر و اعقاب آنان بزرگترین حامیان علوم و ادبیات ایرانی و طرفداران زبان فارسی بوده. در دربار آنان معمولاً به فارسی صحبت می‌شده و آن جا مجمع شعرا و فضیالی ایرانی و فارسی‌گویان هندی بود و خود این شاهان به فارسی شعر می‌سروده‌اند و در ترویج سخن فارسی بذل توجه می‌نموده‌اند.<sup>۴</sup>

کار ستودنی مصححان تهیه‌نمایه‌های دقیق و کامل چون: فرهنگ تعبیرات و ترکیبات است که تنها نگاهی گذرا به این نمایه‌ها، قدرت شاعری نجیب، زیبایی کلام تخیل‌نیرومند، پیوند ماهرانه و الفت دلنشین کلمات و اصطلاحات و تعالی معانی و مفاهیم را درمی‌یابیم. از صفحه ۸۷۷ تا صفحه ۹۲۶ یعنی ۵۰ صفحه و هر صفحه سه ستون و هر ستون تقریباً سی ترکیب و تعبیر (به طور تقریبی) پانصد ترکیب و تعبیر بسیار زیبا، مناسب، درخشان و هوشمندانه در مطاوی غزلیات و سایر سروده‌های او مندرج است که این خود مزیتی دلپذیر

→ هر که شد مستطیع فضل و هنر  
رفتن هند واجب است او را  
با این وجود در سال ۱۰۹۰ یا پس از آن که جلال‌الدین اکبر سر از اطاعت پدر پیچید به وطن بازگشت.  
۴. همان.

برای اوست.

با این که او - نجیب کاشانی - شاعر قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری قمری است و طبعاً چند سده سابقه تاریخی شعر و ادبیات شاعرانه در پس پشت دارد و شاعران پیشین تعبیرها و تلمیح‌ها و استعاره‌های بسیار تازه و دلنشین به کار برده‌اند و می‌دانیم که او شاعری با فضیلت بوده و طبعاً با دواوین شاعران سلف در ارتباط بوده ولی رنگ و بوی تقلید و دنباله‌روی و پخته‌خوری در شعرش وجود ندارد و در بسیاری از موارد او را شاعری مبتکر و نوگرای می‌بینیم.

باید سپاسگزار آقایان اصغر دادبه و مهدی صدری بود که کار سترگ و پرزحمت تصحیح و تحشیه این اثر ارجمند را انجام داده و کتابی پرمحتوا و سودمند به جامعه شعر دوست و ادب‌گرای - بخصوص پژوهندگان ادبیات منظوم عهد صفوی - عرضه نموده‌اند. این کتاب که مشتمل بر ۹۳۴ صفحه است (به اضافه چهل صفحه فهرست مطالب، یکصد و چهل صفحه مقدمه) به معرفی یکی از چهره‌های ارجمند شعر سبک هندی و عصر صفوی که فی‌الحقیقه در طی قرون گذشته همواره مجهول‌القدر بوده است پرداخته و با مقدمه‌ای مستند به مدارک و مستدل به دلایل و براهین متعدد، چهره او را به خوبی ترسیم کرده است. دقت و همت مرکز پژوهشی میراث مکتوب در استنساخ، تصحیح، تحشیه، توضیح، نمایه پردازی، تلخیص و آماده‌سازی و عرضه کتابهای ارزشمند خطی و قدیمی که در حقیقت مواریت گرانبهای فرهنگ و فرهیختگی این کشور و ملتند کاری بس ارزشمند و ستودنی است.

مصححان محترم طی مقدمه‌ای ممتنع و ارائه‌بخشی مستوفای مطالب و مسائل مهم و مفیدی پیرامون شعر سبک هندی و خصوصیات آن ارائه نموده‌اند. آنان در این مقدمه روزگار، و ویژگی‌های شعر نجیب را بیان کرده و سپس از زندگی او: (نام و نشان، تولد و مرگ، سفرها، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، مدح و ممدوحان) سخن گفته و روش تصحیح، معرفی نسخه‌ها، تعلیقات، رسم الخط آنها را طی ۸۸ صفحه شرح داده‌اند و آنگاه شعر او و خصوصیات و امتیازاتش را در مبحث «آینه شعر نجیب» برشمرده و از او و مواریت سبک هندی سخن گفته‌اند. در پایان این قسمت (مقدمه) که مدخل کتاب است پیوست‌های مفید و راهگشایی ارائه شده مانند:

- شاعران نجیب تخلص

- نجیب در آینه تذکره‌ها

۱. صُحُف ابراهیم: علی بن ابراهیم خلیل خان متخلص به خلیل
۲. ریاض الشعراء، علی قلی خان داغستانی
۳. تذکره نصرآبادی (که یکی از امهات تذکره‌های ادبی عصر صفوی است)
۴. شمع انجمن، نواب سید محمد صدیق حسن خان بهادر امیرالملک
۵. روز روشن، مولوی محمد مظفر حسین صبا به تصحیح مرحوم رکن زاده آدمیت
۶. تذکره حسینی، میرحسین دوست سنبهلی
۷. تذکره شعرای کشمیر، محمد اصلح متخلص به میرزا
۸. تذکره المعاصرین از شیخ محمد علی حزین لاهیجی
۹. تذکره بی نظیر از سید عبدالوهاب افتخار بخاری دولت آبادی
۱۰. نشتر عشق
۱۱. آفتاب عالمتاب
۱۲. تذکره کاشانه دانش نگارش مرحوم پرتو بیضایی که طی آن به معرفی شاعران کاشان پرداخته. اثر سترگ مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی یعنی الذریعدالی تصانیف الشیعه و مقاله مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی مندرج در مجله ارزشمندش - یادگار - که یادگار خجسته و پایدار آن بزرگمرد ادب و تاریخ بود (سال ۴، شماره ۷)، نیز مورد مراجعه بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی